

۱۴۳۳

حافظ و ناصر - سکندر بخت مظلوم کش - فروختن - خورشید روک - خدر زیوش
اجباب ترقی خواه - طغرا تویس - غاشیز پیا - خدمت ماموره شفیع طبی
اختشیار مغز زخم خانه حلب - دستخط سپارک فیل خاصه - رخصت لی نکتہ الخیر
فروغ کودک - دانای شیرین سخن جوان سیاه ختر - بی خطر مند

۱۴۳۴

غفار دانا - لغرنش چراغ مجلس - اجباب داشت خوی - افروختن - زوج عگس
غالب شده فضیلت زاده - تحریر گشت - ولی عالم کش شوغل - فرغ دوام
فروغ آمود - زن شیرین سخن - بنده سیاه ختر بیگم خداورس - سانگ سیاه

۱۴۳۵

غفار مجید - بدح غفور - حمد خور - زاده عجم کسار - پایه فضیلت - گداز شت خو
طبی خوبصورت - فضل چهره پرداز سخون ازل - ارمغان ول - رباط خرگوش
محب خسته چگر - اختوار دانا - تو اضع بنده - چالاک فرانپنیر

۱۴۳۶

خدای خداوند چهان - پا غفار والی - پناه غفار - شریت بخشش - اسی عجمگسان
اجباب خسته درون - اویپ ترقی خواه - از واج عجمگسار - زیب فضیلت - حاجی
خوش معاش - چاہل خرمت - فرغ احمد - نواب شیرین سخن - راحت خلق -
خطه عدیمه لمشل - مرحمت خان یعنیلان زار

۱۴۳۷

پا غفار ازی - مفرق فخر موجودات - اجباب فرع هشت - افاضت پناه -

۱۴۳۸

نواب نیک ختر بود

غفور محیب خیل تاش - ناخد - متفصنا - خوش کرداری - حور و غلامان - بادی
غمگسار - شتاق صحبت - خم فتر اک خنخانه گردای سیم رع کوه - گداش تلخ بخش -
فرفع دایم بندہ شیرین سخن - تو اضع دین - هندو سلیمانی خدا کنم خود پرست +

۴۲۷ مسال

غفور و آما - غفار آگاه ول غفار بندہ - فخر مکتب - فرع بز مرید - غالش بده -
اسی خوش کردار - خسیافت دوام شغل باوه - فیدر سان عالم - زوج جمگسار -
گدا خوش معاش پلی خیر - فرع دانا - بندہ غفار - بندہ نیک خضر و

۴۲۸ مسال

یا ول غفور - شاه کشورستان خورشید کاب - اسی پری خصلت - کلم خبار -
ادیب فرانجی همت - فیض همیست - دیور شت خوشی - فتحم زیغ - بابل زیغ -
خیر البشر - زوجه تریخواه - هوا می خمگسار - فضیلت پاک - پهادر ام غوب بی بی نیمه
نایب شیرین سخن - چشم منظر + ۴۲۹ مسال

یا غفور والی - غفار بینیا - پنا - غفور سیل احباب بیرون دون چوشه -
جمت و سپارک باو - فضیلت چاوید - فتحم شد - زارستان بخشن - امدنه - هزار بجه -
رخصت - جان - فرع محبوب - خرد نواب - بندہ فرماندز بره نام - نهدل پرست -

۴۳۰ مسال

ساعر محلی + ۴۳۱ مسال
یا غفور بی اول - فارغ اپال - خواجه خلق - فواخ دست - شجاعت شاهزاده - چه هفت
خوارستان بدل - غمگیار جید - داغ فکر - دیوخته درون - حاجی رشت خو طیبیه -
فضیلت بی بی - پیکز رشت خور - تقریات بلوخی - پسیدنامر غوب - بینان کدر بده

۴۳۲ مسال

غفار دیانی - غفار دنیا - مفروق - مظلوم کشی - بفرض رسیده - سرتان -

۲۷۴

لایه فرایم رشت. دوچند شده در دان. گدا زیاد. فضیلت بگاهد. ارمغان جان.
لایه دن نشسته بگرد. بندی پنهان نظر. ساغر عجیب.

۲۷۵

لایه بیمه را نهاد. تبریز تاش. همای خریان. هسته خاصه یا ورغلت.
وارالخواصه ای ساخته بندی. بخورت شغل. اینه موافقه. زوجه خوشیده
زوجه فرانه است. نهرخند دیوانه. دنیه شده. دان بیانی رشت خود. گدا زیر خود.
پاز و سه خمگسار. فضیلت آگاه.

۲۷۶

یا مسدسی غفار. چه غفار جهان. بزداں غریب لواز. هادیات رو. بجهار اسی جایی
پهاسی فتحضر. اشغال بیجا. مطلع میعنی. هر خرافات دیو. حاجی فرانه بہت. تذکره بیان.
طوطی فراغیال. گدامی رشت خود. جوان خسته بگرد. بسی خبور. فرعی نبی. کان تقویم.

۲۷۷

یا غفار بحید. حکم غفار. موافقت. فخر ساخت. حاتم خسل. بی لیش. اثر رحمت.
فضیلت کده. چاپ غریب. بجز تاج بخش. بندۀ خسته بگرد. فروع نایزید. فروع بیان.
حاکم شیرین سخن. عابد خود پرست.

۲۷۸

یا غفار بیوالی مشیخت. بخوبی اخلاق. خدای علوی. بخوبی بفتقه و بخشی شغلان رئی
بحسرت رفت. علی رشم. بخوبی پاکی. احباب سکوند رنجت. شغل. بیاگا بخسته و برق.
کی فضیلت. نهرخند کیا و نمرخ نامعنوی. ارمغان انبه. هر غان بیهار. تو این بیهار

۲۷۹

بندۀ یاده. خداوند خدا ایگان. هسته خاست. تضاعف. تمقاضی. نیاز نیزه.

و رغلانیدن - رهستی و درستی - دوستدار تو نگر - توفیق نداشت - دوستدار بحوث
تاریک کشته - عورت پر فتاب - رایت نصرت - عورات مهوا پرست - پسران
عبارت پر از استه - خام خن - برای است هتلگ - خان مکبیت - عجیت رهسته تباذه
تفاوت - امتنان - نیاز شده هشای - خن روشن خود -

۳۴

غفاری چون - خون جهتی - هم گوش بوانده - خوش بید پکی - خیز سراپه و ده -
بین خرفه - رفاقت شوار - هتل خاص - تحقیق مردم - فردوز خن - خانه زاد
اعتبادی - خزانی - فقره - رفاقت تبرکه - رهسته خوف - جند و حربت بشنه
انصاف دوست - دشکیز اخوان - صورت نادرات -

۳۵

غفاری اسط - دسیله مغربه خان خانان - مخزن ترا به خجالگشت - خیر نده
سالار دی شان - تریخ میرت - زخم ناخذه - برشت دخواه - پروردش خوده - تریخ میر
شهریار روشن طبع - کبوتر گشته خصم فشنه - نگیره -

۳۶

یاغفاری اطن - حکم غفور - شاخ نبت - خدیویستم دل شغل بد و بد - نصرت خود و داده
چار نظر - تماش خواه - سرمهه مانع - شیوه شهامت - بجز و نهیب - بجز نهیه
مخالف تهار - موذی نفر - پر مخلصه تمنه - خن چن شعار - راهه شاهد پرید

۳۷

غفور و جهان - محمد ایزد - غفار - چه غفارالله - تو ضی ایجا بخت - خویون ایجه
عذاب انتقال - عظیم القدر - بفریان بکیس - شجاعت نهاد - مجده بشهادت - فرد خدیجه
پر شوار لاذه بسب - نفر قد شرع - فارغ الدلیل - فرج وست - شجاعت شوران -

۱۳۵۶

غفار لازوال غفور کام ده خشونت عین دخترت نمود شنوت نعمتیه
ای فارغ ابیان شیره خرما - دیو مظلوم کش - اشغال بجید شغل سگاه - دل تجویه
گدای حکم گسارة هنر خپلهت - خاشیه طلا تفضل دل - کلب خوب صورت -

۱۳۵۷

غفور یچون بخت زن - فخر عذریه - آب شاخ نبات - خوش قماش بیخت ابد
عفو و قصیرات - تذکره لب بفرق دوزه - لغزش دیو - زوجه سکندر بخت -
اشغال گدا - پیک خسته درون مطوطی زشت خوی - گدای تر قیچواه ۷

۱۳۵۸

غفور بزدان - تایش آفریدگار یچون صورت پرست - آب عظیم القدر -
اعمار الدوله - تناقض ابد - انتخاب شده - ادب بیخت - باغ دل کشاور
ای بزش قماش بهویج مفرق - اشغال سگاه - پیک فراخ همت - گدای زشت
ضدیافت بدل - آدم زشت خوی ۷

۱۳۵۹

غفور حلیل - بزرگ خلقت بیخت جو - باغ شهیان - ماخوذ بود - باغ شادان -
احباب فارغ ابیان بیعنی بے اتهای شغل کده - بخال رعنای طوطی خسته درون -
زال غم گسار - سهر غذه چهول - پلید زشت خوی غریق مرح - احمد تاج بیعنی ۷

۱۳۶۰

یا عمار بی محید - ذکی احترام - فیل مرغ - احباب بفرق متعلق گشت - بی بی
سکندر بخت - راحت کده اخلاص - پیشگل - مرغوب الطبع - گدای خسته درون -
تسخیر لک - زال تر قیچواه - طوطیه گسارة غریبی می - میوه نامر غوب - کله صفیر

حاکم ظالم کشی + ۱۹۷۳
غفار حسیب - نفع مشکل کاغز بست فاک بیشان - اسی خوب برای تجربه داشت -
در دنیوی - مشکل تاری شفقت تماصر احباب خوش تنه هر چیز را وجد فراید داشت
که اسکاند رنجت - پیششان - لشکر گرد اسی فرام جست - زالی بزشت خوبی -
دل غمگسار به ۱۹۷۴

با خود دیان - خنوار گو - خدا عزیزشان - خوبی کیان - همیز موتز - میانی عشق
در دنیوی - زوج منروق - شغال کوه - مرخقات طولی - چاهز - شست خوبی -
یل تریخواه - خمگسارها - فضیلت باطل - عابد غفره به

یاخدر رکیا - فضیلت ناپدید - صور غذیه - جملک شتر - آتش شیرینی به شناخت
خان - عزیز زاده منروق - تا چهل پیش لذت شکاه - باعث شادی - از شغال بیرون
بلطفه ماموکره عذر - ملعون شد و درون - اولاد خود -

۱۹۷۴

خپور حکیم - خهدار بجهاب - شیخه دش هنگی مواجه - تحریک از دنیا به شناسانست که
آنها بپرسی مدهجه بیشیست - سخنست شد - همچو خوش - پای پو شوای دست شغال بطری -
شغال دل - دل فیض بست - چان غریق خود

۱۹۷۵

یاعفار برا باطن - همانهم موضع مخصوص در گذشته - دشمنی از این قصره باید -
علانی عالی تبار - چیزی منش سعادت بیشیست - دزد زد و سرت تقدیر - یادی
غذیه بودسته - در زمین بیخوان - فضیلت آدمی - که صبور بپو خوش بخواهی بخوبی -
لیح کشی بیهاری به

۱۹۷۶

خنوار بخت نیاز رغفا رحیب فضور خوش نیست. فخر نگوین خوشنیت - ای عزیزم القده - نفره همراهی شناخت دزدی شیخوت بیجا. اشغال دل ای طوطعه عکس
آدم. بخوبی کرد و ارشمندی الله تعالی خانه هست. آدم عکس کار به

۴۷ ص

یاغنار لازوال زن پنهان مصلع. زنیت متع تشت زرین. عادی یقون مشیخت ای پا.
طوطی شیخ چیز. حاضر شدن. زال مرغوب طبع برمیخت عاقلان. من خفات آهن
ایمول زنسته خوی. آدم ترقیخواه. ولی عکس کار فضیلت اوی. محبت خوش عاش
تفصیرات داده + ۴۸ ص

یاغنار بیادیان. عقا مطلوب سپر زندان اختن. صورت پستی. خجالت کشید.
پا مشیخت. خدست مرجو عده. زوجه خوش قماش. جشن و شتر شد. پاک فلنخ الیال.
مشعل بجال. آدم زنسته خوی. ولی ترقیخواه فضیلت اویا. مراجخ خوش سعاشر.
بنی تاج کنیت های بغربا وزاره +

۴۹ ص

خفا ر علیم غفور بیجاناب. آشوب سخت شناخت. بذراء خسته شد. زیب شیخت.
کنخ خسته. مشعل جلا و عکس کار اویا. چادر فضیلت. نواب خرین ساغوش بنی.
نمایم صغیر رنج خخنانه. ارمغان عابده. امام پندرا ختر +

۵۰ ص

یاغنار عکس کار مشتمل فتن. تعذر مظلومت. رفتار رفتار مقصود خلاقت. بطلیم کنیت
فضیلت گز. شفقت دستگاه بجهه ذی احترام. هلال خوبصورت. ختوش بیجاناب.
نهر خدست. شیخت زیبا. اشغال خاطر. مزوق بیاد پدر. یکشیع عشرت. گدانارخ بیال.
دینه علمه از پسر. شغلان نوال. دروال شغلان +

۱۳۷

یاغفار بایمی - انگلش معلمات - جنرال شیر - مراد خلوت - سانغیم بیتلز
 عاصش - اسی ذمی احترام - درخواست نور - لغوش دل - بکار گرفت -
 کدامی سکندر بخت - آدم فرانچ همت - مجتبی غم کار - ولی خسته درون فضیلت
 نواب صاحب الطفر - تاج بخش جاوداں - مال خرق *

۱۳۸

یاغفار بے تیاز - تو شیخانہ - اعتذار - احباب صورت پرست - رامی فردوس
 شغل طلب - حکایت پرشکایت - ولی فرانچ همت - مزع بعل محب ترقیواه - محمدزاده
 الیمه عجم کسار - غاشیہ بند - نواب زشت خو - اللہ تاج بخش گنج نام غوب جمال
 سیف رفع *

۱۳۹

غفور مولاسی مشہوت پرست - پریشان خاطر - آب شلغم - آتش پرستی - باطلت
 باغ فرسن - آب ظلم - غفور را بد - اسی فخر کائیات - دزد صورت پرست -
 محب زشت خوی فحیل تاحد - دان خوش معاش - جوان زشت خو *

۱۴۰

غفور حلبیم فیض اکتساب - روشن تحریر - آب طلمات - نظرگرد - امی فضیلیم
 باغ شمال - احباب ذمی باحترام - باغ عشا مشیخت بیچد - زال سکندر بخت -
 اشغال باطل شغل جام - آدم مرغوب طبع - ولیان فرانچ همت - احمد عجم کسر بند

۱۴۱

غفور ہدم - خرق عادت مشتملہ - فرنستہ مشش - آب طلمت - تسبیح نموده -
 دزد ذمی احترام - خاطر دریا مقاطر مشیخت گداش - پاکنیزه - ولی رغوبیں -
 محب خسته درون - تکبیث شت خوی - جان عجم کس - فضیلت ان جنسی نہ زیب

۱۳۷

غفور عک مشغول - خارق عادت - مخدول - نعمت سرایی هنچ صوت -
باب نگش - باب طلاق - خوش نیتی - اسی دشمن ظالم - اهداف خصیقت آب -
دیواره دستور دستور - دام غماش - غلولی - محبت فرانخ همت +

۱۳۸

یاغفور پی نیاز سفر و غمکال بیوت ضلع - عزت حق - اسی خونت نیت مشواعی
جهد پی خصیقت آب - قروچ خا - مکنونات خاطر - زاده دی احترام - رضی گشت -
بیمه فانجان - بیخت آگاه - پیک فرانخ دست - اشغال آدم مشغله دلی - اهمی
هر رخ همت - دان اعگسار - نیرو عافیت +

۱۳۹

بغفور عجیب جهان - غفور آنام - محمد غفور - ظلمت آیا و - خجالت کشیده مشغیرگشت
دیوار صورت پرست - مصد در خدمت - اشغال ولی خصیقت پناه - پاک
حقیقی احاجات شیغل دلیا - جن خشیده درون - زدن عجم گسار - تو اب توانه زاد
آینه - خوش ساعاش - مرغان کیوان +

۱۴۰

یاغدر رای پیچون - خفار مهر وح - باب قیص الکتاب - تذکرہ آلیک - زوجه صورت
پرست بیعت شجق شیخت کده - بوی مشک تاره بد شهوت پرسته - پیک خوش ترا
مغروق بیان جلوی فارغ ابیال - احمد مغفور - زدن ترقیخواه - اشیخ گشادر -
ابیس سیمه اختریه +

۱۴۱

یاغدر رای پسط - فخر - خدف - تقدیر - شفعت - احباب خوب نیت مشغیر موجو
زاده خصیقت آب - ماوسی احترام - گدازی قارغ مدیال - شغال چکت

شغل می۔ نواب غمگسار فضیلت نہاد۔ ناصر غوب طبع۔ فروع احمد +

۳۸۱

یاخفور یا جلیل ح گوہر لظر۔ خدلان۔ شام غم۔ خلاف دستورہ نکتہ لایت۔
زبدہ فضیلت آپ۔ خوفشار۔ پاک صورت پرست۔ چشم غزال۔ زوجہ ذمی احترام
محصران۔ حاجی شیخت جو۔ علی الرغیر۔ طوطی خوش قماش۔ گداںی سعروق۔
اہل فلاح دست۔ تذکرہ دانا بجوان غمگسار۔ عجیب تلاج بخش۔ احمد رانیادین ہے

۳۸۲

یاخندا۔ کلکی۔ غفور کاملہ۔ خفاف زامی۔ مشغله ابد۔ زوج خوش بیت۔ فیض رائے۔
وجو و فضیلت آپ۔ حاجی ذمی احترام۔ آخوند نکہہ نیں۔ بی صورت پرست۔
گداںی خوش قماش۔ خوارق حادت۔ ول سکندر بخشت۔ محب پری خصلت شغال
منراج۔ شغل حمد۔ اصحاب شیرین سخن ہے

۳۸۳

یاخنار یا حسیب۔ غفور ز من۔ زینت موضع۔ شہوت پرست۔ غفور ز اداء۔
پریشان خاطر۔ ہادی فضیلت آپ۔ عنان اختیار۔ طبیب ذمی احترام۔
گداں صورت پرست۔ بانع عیش۔ عیش بانع۔ بلا شیخت۔ زال نارغ انبال۔
اشغال منراج۔ بیم شغال۔ شغل حمد۔ صاحب فتحار +

۳۸۴

یاخفور حبیب یاں۔ بخنا رزمانہ۔ ذمی اعتبار۔ اسی شہوت پرست مشیخت طلبی
خان باول۔ احمد خوش کردار۔ بندہ رشت خوی۔ بانع شماں۔ ہب غمگسار
مشخص شد فضل دین۔ دیوان رشت خو۔ عید صفیر مرغان چمپن۔ غربیخ نہیں۔

۳۸۵

پاک طبع شیرین سخن +

۳۸۴

یاخنور حکم خفار پاپ طبع فخر شیر نادر خلقت حاجی فضیلت آباد خدر الموت
دز و خلقت کرد اسی ذی احترام شیرخ کهن تنافص طویل شیخت کرد اسی عاخته
زال خوش قماش بیل فرایخ دست شغال احمد دانامر خوب طبع زواب فرایخ هفت

۱۳۸۶ -

یاخنار غریز جمیانه عجیب مفخر سادات نور خلقت گلیم خوش عیش بشغولی
خدولی چشم پر خمار موافقه طویل شغل تو جاہل خوش قماش سایع خیره
محب سکند رجابت شغل دانا خروش جوان فرایخ هفت آنسته تبر حاکم خوش عیش
لم خلیق مشاهدا سیم غ سیاه +

۱۳۸۷

یاخنور حکم خفار زمان غیر واقع قوت رفتار بی شغله احباب شهوت پرست
ز به خوش نیت فروع نامی اللهم اخزو شغال بند شغل زن آن بهر خوب طبع
پنده فرایخ هفت تذکره بی بل زشت خوی زین فضیلت +

۱۳۸۸

یاخنور یابے نیاز خوص خاص فروع ایمان خامنده بفضیلت پناهی
احباب فیض اکتاب فالیض السرور دز و شهوت پرست فضیلت بیوی
بوی شلغم حاجی خوش نیت گرفتیلت آب شغال دانا شغال زن
شغل نبه بی فرایخ هفت +

۱۳۸۹

یاخنار یابدیه خفار حق حفاظت هب ته مش شغل زواب انگشت هفت
زیب فرایخ هفت بلبل خشند کون خفران پناه کیل زشت خوی فضیلت حکم
فرست اثر بند زشت خوی صفیره انجمن فروع ده محبا خشنه چگه اقیان زین خ

۱۳۹۰

غفور عدل مستفیض نافثی بالعباد مرغ عیشی شخص مشغله وزد دهان را
آدم فراغ دست - اشغال نبه - باعو منغوره بیوه مرغوب طبع - نوع فراغ همت -
حاکم فراغ همت - حاکم غمگوار فضیلت حسب - عابد زشت خود لکلام مرغوب +

۱۳۹۱

یا غفور عزیز نه تن افضل بزرگ طلب محفوظ باشدند - فرع عادل - خاطر ثبت
نصرت خان - زنان زنای پذیر مستصدا عفت - لواضع گندم طفل خدمت گزار -
روعن پسندیده سمجھی نجیب شناس - عالی داندار - عالم داندار مصطفی خان

۱۳۹۲

یا غفور حبیل حبیب - انتظام فخرستان - سید مرغوب - ران و داشتن -
سلطان مغرب - جنگمه فریاد مرغ آسمان - مت و محور - مولان - رفع لو -
معواطفه بیداری - خداوند نعمت عالیچناب - بیبل فطر - تو شیخان و یوسف پیغمبری خضراء
طوطی صورت پرست + ۱۳۹۳

غفار حبیب ملک سعادت موضع - انتظامات - رفاقت خواه - رو شهوت پرست -
قصر ران مگداسی صورت پرست - قیاص همت - ولی خوش قاش - زان
سکندر رنجت - اشغال بند - بی خوش کردار گنج فضیلت سمجھ جنور - فروع سرنا

۱۳۹۴

یا غفار یا مالک - شهید عشق خدا - خوار باضن - بچه ذمی اعتبار - شهر زیسته و
نمادی روشن تحریر - مرغ سید - زوجه شهوت پرست - مدیله لغز - خلعت بیهد
طوطی ذمی احترام - دل فیل مرغ گردانی شخت جو شناخت پارو - نثار بیه

۱۳۹۵

با غفور رای چبیپ و بیان نفس خدار - اسی ذمی احتمار و محاصلت کرد و تجزیه زد
شیخ شرکت مشغله بازی - که با شب غمگناختی شد - گداشی ذمی احترام -
شیخوت آدم محب فراغ دست - کله منطق - نواب سکندر بخت - حاکم فرانسه است

۱۳۹۶

با غفور رای چلیم - رشتیم صورت - مخزن انخراین - ملهمت گاه - توضیف خوفزدگان
دوی مخدزوں حوصلہ جمیل - مشغله جدید ملهمات گاه - زال صورت پرست شیخوت
آدم شیخوت ولی - اهلیه فراغ دست - دون مظلوم کش +

۱۳۹۷

با غفرانی از عذیر - فخر ادبستان - فخر آستانه سعادت کمیش - تقدیر ابدی بشطح بیعت
حاجی ذیش بیشن - امور مختلف - ملهمات گاه - خویش ستانی - شناخت ولی -
تقویت نیازم - طوطی باغ نشاط - خلف طراز - چاہل صورت پرست - خاندان رستم -
محب خوش قاسی - بندہ سکندر بخت - تند کرہ بزرگان - عجید عمر گسار +

۱۳۹۸

با غفور رایلک - فخر ادبستان - احباب ذمی احتمار - شناخت رایفت مشغله بارک -
شیخ شمن - گدشہوت پرست - الیام بخشید - فاروق اغظمه - گداشی فضیلت آب
زال ذمی احترام - بیل صورت پرست - شیخت ازل نبی سکندر بخت - حاکم عجمگان -
فضیلت محل +

۱۳۹۹

غفور رایتی - فخر بستان - حفاظت بچه - جمشید مرثیت مشغله جاودید ملهمت کده
بانع شادمان - شناخت کوک - شغل حاکم - عابد ترقیخواه - چکیم عنیم گساره
امنخوش شجر - تدر و چین - مخنانه ایمیس +

۱۴۰۰

پاچ غفار. لطف غفار تخت. صفر من شخص سهر و زخمان. عظیم.
غزه رخصیت. تعذر پر دیو. حاجی محمد غفور. خلما ت کده شبل فرمود و طوطی خوش بست
می دن احترام. جمی شیخت معرف ناطق. رسنگنگرت. فخر رکجن.

۱۲۰۱

پا غفور عدل. تماشت بشنیدن اعتراف. بی حفاظت. اشتمام و او تعذر پر جدید علی اعتراف
علی اصغر. مشهد بگاه. رفت نان. نگداشی خوش بست. زال فضیلت ای شیخت
شفل حساب گنج مزخرفات. علیهم رشت خور فضیلت آگین. اصراعی.

۱۲۰۲

پا غفور پایغیر. خذف ریزه صرت آثار عظیم اشان. ابر قضا خصب. باشناشت
باشناشت مراج. فره میخشت. زدن فراغ دست. نواب خورشید رکاب. بارگاه هلاکی
دانایی سکندر بخت. اشغال سیل عجبد فراغ بخت. هادیسته درون طبع عمرگسار به

۱۲۰۳

پا غفور پایهیل صبیب بختاب عجز خوش هراسی. چند مردار غبار. عددی رشت خو.
چمن قشنگ. بخیر قصتن. تایخ بخش زدن. سلاح خوبصورت. علیهم عجبی و غریب. حداصی پر عظم
اصحاب قعنات. البیس صیر. ندیم نامر غوب. بهیل پیروغ. عقبه بخانه. ای عان علی
مرفان همایون. موسی بلند احترم.

۱۲۰۴

پا غفار رجیب علک. فروع حسن. چرانع عقل. باغات. چچراغ سفید. پی اشتمام.
احبیت تقیض. حقاً لطیت وزو. دیو دی اعتبر. دیده گوہر نظر. جام زمی احترام.
تعذر پر جاوید. گداخزت بخشن. بحیا شوت پرست. شغل طوطی. زال خوش بسته به

۱۲۰۵

یا غفار حبیب لک - لطف غفور شجت - طلاق فضیلت اپ - آدم دسی احترام -
ولی بزرگ خلقت - محبوب خوش قماش - جوان فارغ اقبال - عالم سکندر بخت -
عنج اشغال شغل و عالم صالح فراغ همت - تذکره ذیوی - محمد علیم گسار بیچی فضیلت
حکیم خوش معاشر - سر غنه عدوی +

۳۷۰۴

یا غفور را حبیب یاد یان نزد - قمر کشور بزرگ مخلوقات بخواره خوض آب خدا -
 حاجی ذی اعتمدار - تقدیر بگاه - پیک روشن تحریر - ولی ذی احترام مشیخته انا -
نواب خوش قماش - بندہ فارغ اقبال - داعی علیم گسار - نہال فضیلت سرخته افراح +

۳۷۰۵

یا غفور حبیب علیم - حمد قاضی الی اجاث غفور سیجان - و باخت بستاد و دشاخ
آب پانقات - تخت اپد - بچه خونش طبیعت - ای سرستم صورت - احیا ب فاقه خواه
انتظام دزد طبیعتی اعتمدار - طوطی شهوت پست - شناخت و ای بطبیعت داد
عامل روشن سخن - سایر سیمون غفار عبیدیل +

۳۷۰۶

یا غفار حبیب عزیز غفور معبود - غفار لعل نیلی - حضرت - رخصتا و بار مشیخت خاپا
نواب حاتم عنایع - بندہ خوش قماش - نایب فراغ وست - عبد پری خدلت -
شقیل علیم - امام فراغ همت - عبید ترقیواه فضیلت فرا - وندان نادر غوب -
کامل خوش معاشر جنت فانه بکیس +

۳۷۰۷

یا غفور حبیب لک - حضرات بیوارت - ناطرانوار - غیافت حق قفتا -
فضیحت انس - مرغان بخس - ایس حشته چکر - افاقت منزل - صالح شهر بنی سخن -

تو اضع اسلام نیجم سید اختر - قبلہ خود پرست - علم مخصوصان - مسید فدائیں -
کل انداز فرد و فوج جام +

۱۷۱.

یا غفور یا باقی - تبعی خلقت تختی - صغیر سن - زیب خلافت - فوجاندار می تبغیر
ضرب توب - زیب نیاز است - تعظیم - تنفی - متعذر معمد - معاذر است - سلطان
خوشیده علم - روزگار مطیع - مادر سادشان مغرب - سکن مرغ -
افلاس ای خبرت - ناس پاس دروغگو - سفلہ خوش بچ شاکر - دخیل مطلق -
سلیمان پندار بحیثت + .

۱۷۱.

یا حق یا غفار سفلہ بیت - تیغا - دھر رز بخواه - تاعی - خالص - ریاست بخی
احباب شوچ طبیعت - وجہال ثہوت پرست - آدم خوش نیت - اوپیا فضیلت بابت
اہمیت احترام - دان خلیج القدر بخشیت زدن - وکیل غاریج ایصال شیوال حات
کین شفال + .

۱۷۲.

یا غفور یا عدل - غیرت خوشوقت - ظفر پرکار - آرائیں صلح - خصیب - بہتی بہتی
پرستی تختی ہوا - بی تشیص بی شخصیت مشغول بالہ - جاہل ثہوت پرست -
ٹالب شغل غم مشغول بالہ - ظلمت پل - ولی خوش نیت - نواب خاندان می

۱۷۳.

غفاری بازو - یا غفور عجیب - عزیز غفور رسم نیل - تیر صبح - خاص الناصع -
پاکی تخت - اراضیت مشغناشت ہی - وکیل خوش تماش - عاپر سکندر بخت
شمال چنگو - مزخرفات عجیب - یاک رشت خو - افغان ترقی فواہ - محمد عجم گمار -
چمن فضیلت - اہمیت غریب + .

۱۷۴.

یا غفور یا علیل - یا عجیب - غفور نگہبان - حق تکمیل محنت - تھوڑی اوقات یہاں کل صحوت

فرفع خواه پیغام طبیعت نگین طفہ مندی - صاحب رشت خوش بازی مهر
بادخوش سیش افتخار السلام آن افسوس بلطف زنگیان سلیمانی خوش بیدار یک شماره
محضی کات فاسد - تبلیغ خود پرست به

۱۷۱۵

غفاری جمیل غفور لطیف فغفور ولی سخوار چاہ - آب مشت بہشت باری خلدت
پناوت پدر بد صرات پڑو چاہ تخته باز سب خذاب حفاظت گاہ - تندیز گردی
بازی شہوت پرست عرفہ ناک مرغان عدن +

۱۷۱۶

یاغفاری جدیب لاک رشتہ البت نوی اقتدار موغلت شغل ولی - هنگفت
محب خوش بیت - ذاتی ذی احترام زن شیخت جو - حاکم خوش قماش شذال
عجیب شغل نیکوی طلوب هر غوب طبع - لکی غفو فضیلت نامه فضیلت کامله

۱۷۱۷

یاغفاری جامع سعادت - مرخوب بالکوب مخصوص مخلوقات - رشتہستان غاییت
مشغله باطل حدا طلبات فغفور مراج - زن ذاتی احترام - نواب صورت پرست -
اشغال عجیب - شغال عجایب شغل بدایع - افواج فراخ بہت فضیلت زدن

۱۷۱۸

یاغفاری جوانہ جنبتہ شیم و رخت آرزو - تمرارت پیشہ - تندرو ہمالیون منزل
صرغان - حسیافت وصال - فروع السلام غرفہ عباس - اقبال طفہ مندی -
افتخار کوئی - تو اضع علمی - علماء غمزگر - اقواص نیک نظر - ساغرے مانند عالیجنہ -
فیاض عصر مانین دماغدار بہ

۱۷۱۹

یاغفاری قومی پیغمبر قدس زیب تخت رفت بدار القرار - ازین فیاض عصر

ساقی مرغوب میقبل مفرغ خلقت - تدریم غریب - ششاد تھوں - سرخ نک جلاں -
اہل خبرت عالی حسب - میضدگر بخشش - پنج لامیز مظفر عالم رہا - پنجم میدا بخشت
ستم تحریریات - تو ای خی آرا - غریبو ابر - در جیب خلقت ۱۲۲۰

۱۲۲۰

یاخوار یا دھنی بخیست تعظیم - چاندنی بخشاپش - زر بخشاپش - چاندن خرابت -
دزد غریب - او پارا غیار - بکر در سفع - یار بخجا در - غور و قیق - دیار عشدار -
در بخت پدر بسی - یاد رعنی با مشکل تور اکابر - محنث گیر - ولدار نیک میزاد است - گرگ طغنو

۱۲۲۱

یاخوار لطیف - حضرت احمد - خود دخواب جوش و خوش - یا خجسته ششم -
با بہ ذری اقبال - چھوٹ دو کات - غوته پاز ماسی تلخ عیش - بغاوت احباب -
حضرت آزاد - و با غفت احباب - غور و دزو - تخته چہانه - تخته ماسی - باغات
بھی سبوئے خناب ۱۲۲۲

۱۲۲۲

یاخنور یا جامع - خیر خواه - فنا طرخواه - سخور بازو - باتات آہادی بخناب
ورده - شعلی بند - کادمی غلیم اشان - زر ہی تخت - بلخ خانست - ژال ذہنی ہماں
قدیم پا طل سوزہ شکر - فضور و انا - فواب غیبت مآب - بنی ذی صڑام -
اشغال نگ ۱۲۲۳

۱۲۲۳

یاخوار سلام - عبان ترقیخواه - تعظیم آب - یا تعظیم - اسی خوش بخت - انی بخیر پکیز
اسی بی تختیست - شیخ چہاد - بغاوت احباب - حضرات احباب - حضرت دزو -
و با غفت زوه - غور زاده - تخته ہموچ - زیب بانافت - خناب زیرا - ترویج

شخت پاک ۴

۱۲۲۷

یاغفور یا قوی - فغفور اول شخت جاوید - دلستقیع محب و شعن تحریر
تھوڑ پرستمان - فرا غبای نمود - تیرہ فضیلت آپ - بھی فخر کائیا ت - عاپہ
خوش قاش - صاحب زرشت خوی - اصحاب ترقیخواہ چلیں غمگسار فضیلت عدل
تعذیر چھوں - دین ذی احترام - دکیل حورت پرست - یالان صرف ۴

۱۲۲۸

یاغفور یامن - کر پیاظر فغور جہان - فغور ہند - اسی خوش او قات - دزد تنگ
بنادت زوج - بضرات زوج - حضرت اویب - پا یہ دیا گنت شخت بازی - باندا
جدید - خصاپ چیدہ طبیب عظیم الشان شخت گاہ - شخت وزدی شخت گدا ۴

۱۲۲۹

یاغفور رصیف مشغوف - خورشیدیوش - شخت گاہ - دزد تانگ - تنگ گاے -
عظیرت گاسی - بنادت چہی بضرات را بد بضرات از دل سخو رازحد - شخیر چہد
بنادت چیدہ - خصاپ پاک - بیلی بیلی عظیم الشان حفاظت بلاو - زال خامن ربیٹ

۱۲۳۰

بزر دان قاصی الحاجات - خدا سی خبیر - قضا صولت - بخوتستان - بیل خام
نہ بہب - شاغل دان ایکی - بندہ خوش نیت - دین آتش پرست - حاکم صورت پرست
شیفت گاپ - ایام فلاح دست - صاحب فلاح ہست - صاحب چشم کسار فضیلت ہست
سبحان گنج بخش - عرق وصال ۴

۱۲۳۱

یاغفور سلام - محن بیخیر - آرائیش موضع - مردان بدقائق - آسمان حیلہ خستر - تسویہ
تمایاں - مولن خدمت گزار - مولن چود پرست - انسان روشن سجن - ساغر کانپ

مقبول و ماندار صنف مرغوب. ایل علوم بخش رقص سقطهه باع ارتم صوفی مغرب.
محترم را فقط منع فصح - راهبردی رایج است به

۱۷۲۹

یافع فار واسع. بحافثت. ای خبتهه شیخ. زاده خوش وقت. بناوت دیو بغر طربیت
باهاش امدا خشناب جدیده. بخت گده. آدم فرسی اعتبار سعادکم ذمی احترام.
حمل مفرق شفال زمان شغل نجوم. فضیلت مدینه. عالم خسته علیک. فروع قبائل به

۱۷۳۰

یافعور یامعبود مهندسهم. خانه زاده مورونی. رسنم غلی خشک ریش چرانگ کور لقیت
فرفع ایجنس محبون نیک اختر. سلطان شیرین بجن سند رو خیت. ناموس پرسی
رضار. محسن خود پست رهندس شیرین گفتار. سلاطین نیک نظر. تاریخ وان
پرسانان سراغ بمحون نه اسمان

یافعو صمد - منع سلیمان. لفات. ظلمانیت. غلات. غلات. نظافت. ساختگیز
عقاب ارعوان پیغمبر ایل عالم. منعای مقبول. مساکین داندار. صفحه مرغوب
قصد غور طلب. نویسنده خوش رقص. منس. ه مغرب. محترم رقصیم

۱۷۳۱

یافعور یامعبود. نیما و قاست. خلیل ایل نیمه. خداونی خوارث بخواهی. تغلب.
وزر و زنی خورهای ایل. نیمه. یاد تسبیح. نیز. بیکمیت حاجی. بناهات. پاک.
حضرات پاک. یافعور یامعبود. خوارث. نیز. بیکمیت. دلب بخت. نیز. بیکمیت.
محب فیصل. نیمه

ص ۱۷۳۱

یافعور یام. پادشاه. یافعو خوارث. دیلمخواهان. سماجیت شفال شعال ایل سوند
ذکر هیچ علم رشت خوی سدهن مده کسر. فیصل ایل شفیع. دیلمخواهان. همچنان

لیو نشات کر نمیں - فروع قبیله تو اضع موش - افیونی سیده ختر سفاک خود پرست

۱۷۳ م ۲۷

پا غفور واسع - ما دی خوش اوقات - حاجی خوش وقت - عظمت بی بی حضرت
بابنات زیر پایی - پیک سرت اثمار - تخت طولی - تخت بالا - زال بر تم صورت -
انتظام باطل - حفاظت آدم - محب ذی اعتبار - نواب فرشته منی - بندہ

مشہوٹ پرست - په بیعادت گلا - ۱۷۳ م ۲۵

پا غفور قوسی جیب - غفار قدیم سینه بر عالی حب - حاکم خوش نیت - عابد صورت پر
شیخ عجیب شیغل عادل - فضیلت محل تذریل طیف - همان نام غوب - مرغ
سید - فروع مجذوب - تناول شیرین سحن - تو اضع محسن - نازمین خدا پرست -

ساغر مسئل - و قلیع مرغوب - ۱۷۳ م ۲۶

پا غفور جیب بعرز - تو غل - آب پلا غفت - پا پلا غفت - پا بیفات - جما غلطت ابد -
پچھوڑ شید و شش - اسی کر پیغظر - اچاب خیر خواه - جوش و خوش و زند غلطیت
ما دی ذی اقتدار - حاجی خوش اوقات - بی بی خوش و شوقت - باغ ایز دی بیل صورت
صورت - تقدیر بند - ۱۷۳ م ۲۷

پا غفور پا طیف - دارث فلت - تقدیر زان - نواب پندر غفور شغلہ سنی - بیبل شہوت
پرست - جمال فضیلت اب - عابد ذی احترام - کیم شیخست جو - عادب کند بنت
صحا پا غفور و انس فنی بہت - میا پنجی رشت خوبیوسی عجم گسار غزیق وصال
الحاصر صغير و صغیر بے فهم - دار الاحزت -

۱۷۳ م ۲۸

پائیز وان تا حصی اصحابت بخط و کتابت - فضاحت مجذوب - سلطان خشته چکر -
حسن شیرین سحن - انسان اختر - فسون سغرب - گصف خد پرست - فیلبان خدا گز

ضیح دماغدار- فنازه مغرب- مختار قصبه هر غل بلند نسب- جمیع بیداری- به

۱۷۳۹

یا غفور پدلاور- محاافظت پچر زر و چنجه شیخیم- گدا خوش اوقات- یک بغاوت-
غزو ریلا- باغات گدائی- اهل خشاب- سخت ویا- اختمام اولی- محاافظت محب
بنده محمد غفور- بشغل حاکم- گنج غفور- شیخ افرا- اشغال سجد+

۱۷۴۰

یا تخاریا واسح- چهارچهش- لذایز نظرم و دست- تسلیث- شغال سپه- شغل علی طبل
فضیلت عالیجا- نظریات لطیف- غرق علم- علم تخر- صاحب رخوب- روح-
مرغان چنون- رخصیت سلطان- مزروع مند- نازکین خود پرست- فضاد خدا ترس-
حضرت+

۱۷۴۱

یا غفور حبیب بیرون- ای منتظرم- بی محاافظت- خیرخواه بی ادب- تعظیم حبدیه-
لیب شرارت پیشه- بی بی رشوتستان- موظفت گدا زاده هنر خوش اوقات-
لذایز- تارض تحیلات- شکرگزار فخرگستان- تمنا بمناض- مضرات+

۱۷۴۲

یا غفور یا صادر- تسلیع- اختمام- بحضرت- فریب نظر- نظر فریب- بی منتظرم- نادی
خیرخواه- دیو خیرخواه- عوته باز- حبدیه تعظیم حاجی- بی بی خجسته شیخیم- کباب مرغوب القلب-
تبیخ ایزدمی- بفادت پلا- حضرت طولی- حضرت دل+

۱۷۴۳

یا غفور معبد حبیب- علیبه شوق- بحر بلا غشت- آب رضرت- بی نفایت- بی نطا-
چا ب منتظرم- محاافظت احباب- زاده مشغوف- زوجه خیرخواه- حاجی عوته باز-
عظیمت پاک- غوایت گاه- فایت بد گو تبغی بلا حضرات طوطی+

۱۷۲۴

یاغفور رای مومن- تبغ اجل- خد بذب- پیک خوشوقت- حضرات گدا می- الی خبرت
و باخت اول غرور دجال- تبحیث چوک- با فاب طلب- شخصا پ طلب- تاخت جلوه
جلوه تخت- حقا نکت وایهم- نواب فخر شهر جوان دمی اعتبار نیز فیض تماش

۱۷۲۵

یاغفور یا واسع- ثاث بیت- لذیذه- عالم مخدوں شیغله سیل- دکان شلغه-
اماهم فضیلت ناب- مشناخت انجم- کند شغال شغل محل جستخانه لطیف- مرغله
سفید- مرخان قدیم غرفہ سلطانی- کمعدن تفاخر- تو اصنع نازنین- تو اضع سایه-
سلیمان پیغمبر پ

۱۷۲۶

یاغفور یاقوبی حبیب- والی حضرت- مغور خلوت نشین- مطلوق خدا پست-
رو عن ریز فام سلیمان پیغمبر- انفاس چهیز منجم خوش رحمت- مختار سر صنع پیغمبر-
بعقل کلم ظرف- مغلص ر د غلگو- پار خوش پوشانی- رو عن صد ساله بد نظر نافذ
اف نه پر مفرز پ

۱۷۲۷

یاغفور علیهم- تایید فیضی- فخر کشورت- پادیپ طهر- گدا خیر خواه- گدا می خوشوقت-
تبغ جدل حضرت چاہل طبل غرور غرور طلب- تاخت دلی- والی تخت-
حقا نکت انبه شغل المولی- اطفال فراخ همت- فضیلت نزل- سر عنده سلام

۱۷۲۸

یاغفور حبیب لطیف- مرغوزه ر غزویات- سر عنده مجلس- ملبوس خریق سلطان
بیرونی- رخصت محسن- نازنین شیرین سخن- مفلوک خود پست- مساغر و ماق
صدق پیغمبر- نفیس ر غوب- پر خوش رقمه- ارباب هنر- محنت ارزز-
عقیل ہل خبرت- پرسی درونگو پ

۱۷۵۹

یا غفور بایشان - نظم است پناه - درخت مراد - تعظیم کده - گداش خوش اوقات -
خناب مو - تخت دهل - تخت کوچک - لطف شغل حسین غمگسار فضیلت اطیف -
غینک نام غوب - فروع سایق - شنیز مطلق پیغمبر صادق پیغمبر پیغمبر +

۱۷۵۰

یا غفور عزیز جهان - ناصر مرکه شیاعت - طمعات - نضرت - نادیش تطمیع پیک خوبیه
غايت جاہل - تبع طلا - جام غرور - ورم غرور - باعات ولی - تخت بگل تنان خنان نست
ابلیس باخود - اشغال بوعلی طهم شغال شغل طعام - خادم جان دشاره +

۱۷۵۱

یا غفور دیدیم بخنواده - خرمی تر - نعمت - شهادت دشوار مشهور صلح -
تدر و خرام - ذی فراست شغل اطفال - فضیلت سلام - سلطان قضاوت سماون
شیرین بخن - سفله سیاه نظر مطلق خود پست - صنم شیرین گلستان - صوفی خدا اترس -
ساغر سبز فاصم - صعیقه رغوان - روغن قتاولی - عاقل ماندار +

۱۷۵۲

یا غفار واحد میان - بی مضرت - زیب بلاعث - لغات چدید - نقدیه ایده -
یک خیر خواه - فضیلت سلام - قندیل رغوان - در مرغوب - طوطی خوبیه شیخ -
زال خوش اوقات - طالب تبع - غرور ولی - محبت علیم الشان - عابد فرشته هش -

محمد ذی احترام + ۱۷۵۳

یا غفور محمد حبیب - تقابن - پیر فغار - بلاعث زیبا - لغات زايد - بیوهه نتنظر هم
حافظت بحید - گداش خوبیه شیخ - تبع پولاد - حضرت آدم - داشت ولی تخت بگل
حق امتحت دینی - شغال هفمال شغل سپاس - صوفی خدا پست - روغن قهوه زه

۱۷۵۴

یا غفور یا میں چبیپ - چرخ نکلا آب خرمائی تبر مرغوار بدغزیات بد - چرخ مغرور - اسی بچرخ بلانگت - پل انگتام - حضرت احباب - لفافات پاک - بی بی شنگنگنگ - می گفت
گدا - پیک خیر خواه - تعظیم طوی - زال ذمی اقتدار - درستی - بغاوت آدم حضرت
آدم

۱۷۵۵

یا غفور یا میں چبیپ عظیمت آدم حضرات ولی - دلاغت او لیا - مغرو رجاه تخت
وزیر - حفاظت اسباب شلشم عجیب - اشغال حسنہ - معدن مرغان - روشن صدقہ
پیر مرغایا - اپری مغربی - مختار دیر - مرغ دریا - ساخن صدقہ پیغمبر عالم حکم الشان

۱۷۵۶

ما غفور و اسح عجیب - غفور لک - مرد غریب - مغوری - خلوت شینی - اهل عظمیت
اہل تعظیم - زال حجۃتہ شیخہ شیخ وی عظمتی ولی - حضرات والا جاه حضرت او لیا -
تخت نوچوان رستم صورت - انتظام دین - نہال شلشم - فضیلت کوئی +

۱۷۵۷

یا غفور یا خوشی یا چبیپ - عمامہ قنات - ناسوس صفیر فروع معانی ساغرافیون
روشن ناقع - دیار مغرب - مرغ ہرزہ - اسی والا حضرت - اسی مغرور - اسی خلوت زین
بلاغت بیچد - اخات جدید و - گدا می خیر خواه - بغاوت از لی حضرات او لیا +

۱۷۵۸

یا غفور یا علیهم - عفار اہل عالم سفریات تیخ او لیا عظمت او لیا حضرت محب - غبت
مردانہ تختہ کھلابد - سچوم باغات - پناہ تخت - نواب جمیلہ مرتبت - حفاظت حاکم
قبلہ عمر گسارہ فروع مقتبل - ساغرافیون - روشن پر - رو رہ مرقاہ مغربت ولی
مختار یا ور - مرغ بہاری +

۱۷۵۹